

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس شگردهای شش‌گانه جوزف مالون

عباس گنجعلی^{۱*} و سید مهدی نوری کیدقانی^۲ و مسعود سلمانی حقیقی^۳

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
 ۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
 ۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
- دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۴

چکیده

بررسی و نقد ترجمه به معنای پرداختن به ابعاد مختلف ترجمه و بیان نقاط و ضعف و قوت آن و ارائه سبک جدید است که پرداختن به این امر باعث گسترش شگردهای نقدی و فراهم شدن زمینه برای افزایش و بهبود کیفیت ترجمه می‌گردد. امروزه برای نقد و ارزیابی ترجمه، تئوری‌های گوناگونی وجود دارد که یکی از این تئوری‌ها، نظریه جوزف مالون است. مالون برای ترجمه، شگردهایی نظیر: تطابق (جانمایی و برابری)، سازگاری (بسط و کاهش)، باز مجموعه‌سازی (پراکنده‌سازی و متراکم‌سازی)، متناوب‌سازی (واگرایی و همگرایی)، آرایش یا رمزگذاری تازه و پل‌سازی را مطرح می‌کند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ترجمه‌های ارفع، استاد ولی، آیتی و برزی از واژگان و ترکیب‌های انتخابی از قرآن کریم بر اساس الگوی جوزف مالون مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به این‌که بافت آیات قرآنی بر اساس معیارها و چارچوب‌های زبانی، فرهنگی، اجتماعی و... ایجاد شده است. بنابراین، ترجمه‌های انتخابی از قابلیت بررسی و ارزیابی بر اساس رویکرد مالون برخوردارند، رویکردی که مبتنی بر معیارهای مزبور است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد در واگرایی و همگرایی عناصر مختلف سبکی، عاطفی، کنایی و... مورد نظر است. در بخش واگرایی اغلب مترجمان به جز ارفع، با در نظر گرفتن عناصر مذکور، برای هر یک از تعابیر و عبارات، برابرنهاد مناسب با آن را تعیین نموده و سعی در ایجاد پیوستگی، ارتباط و تقارب معانی میان متن اصلی و ترجمه داشته‌اند. در قسمت همگرایی نیز عبارات قرآنی مطابق با این قاعده در ترجمه هیچ یک از مترجمان بازتاب نیافته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، روش‌شناسی، نقد ترجمه، الگوی جوزف مالون.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی علمی است که حوزه‌های وسیعی از جمله ترجمه را در بر می‌گیرد و به ما در فهم و درک هر چه بهتر مفاهیم و مضامین کمک می‌کند. مطالعه و بررسی کیفیت ترجمه متون با تکیه بر مباحث زبان‌شناسی از شگردهایی است که بسیاری از نظریه پردازان حوزه ترجمه به آن پرداخته‌اند. ترجمه به معنای برگردان یک ساخت از یک زبان به زبان دیگر است، بنابراین، بدون تکیه بر معیارها و اصول زبان‌شناسی نمی‌توان یک ترجمه خوب ارائه داد. عدم توجه به اصول زبان‌شناسی می‌تواند ترجمه‌ای هم چون ترجمه‌های ماشینی که توسط سایت‌های مختلف انجام می‌شود، به دست دهد. از این رو نقش زبان‌شناسی در ترجمه به خصوص ترجمه تعابیر اصطلاحی از اهمیت بالایی برخوردار است که گاهی بر هویت یک متن اثر می‌گذارد و بدون آگاهی از زبان‌شناسی متن اصلی و مقصد، مترجم و ترجمه دچار مشکل خواهند شد. رویکرد ترجمه را می‌توان به دو نوع مبدأ گرا و مقصد گرا تقسیم کرد. در رویکرد نخست مترجم سعی در ارائه متنی مبتنی بر ساختار دستوری-معنایی دارد. در رویکرد دوم پایه و اساس ترجمه مبتنی بر فرهنگ و معیارهای زبانی متن مقصد و تسهیل خوانش مخاطب است.

رابطه زبان‌شناسی با ترجمه را می‌توان رابطه‌ای دو گانه دانست؛ از یک سو یافته‌های زبان‌شناسی را می‌توان در ارتباط با ترجمه به کار برد و از سوی دیگر می‌توان به جای نظریه‌ای ادبی یا روان‌شناختی در باب ترجمه، نظریه‌ای زبانی را در این مورد به کار بست. در رویکرد نخست، زیر شاخه‌ای از زبان‌شناسی نظیر جامعه‌شناسی زبان می‌تواند در مورد چگونگی تنوع زبان در ارتباط با موقعیت اجتماعی، سن، جنسیت و غیره، اطلاعاتی به دست دهد. این حوزه می‌تواند به ما کمک کند تا این تنوعات زبانی را دریابیم و آنها را توصیف کنیم. وقتی مجبوریم با نوعی مسئله جامعه‌شناختی زبان در متنی مواجه شویم، زبان‌شناسی می‌تواند به ما بگوید که چطور با آن سروکار داشته باشیم. در رویکرد دوم، به

جای کاربرد نظریه زبانی در ارتباط با عناصر موجود در متنی که باید ترجمه شود، می‌توان این نظریه زبانی را در ارتباط با کل مفهوم ترجمه به کار برد (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۸).

رویکرد مبتنی بر زبان به یقین می‌تواند توصیف‌های تطبیقی سودمندی در باب نظام‌های زبان به دست دهد. جین دلیسل «Jean delisle» نظریه‌پرداز کانا‌دایی در حوزه ترجمه می‌گوید: «چنین اطلاعاتی باید بخشی از دانش هر مترجمی باشد» (دلیسل، ۱۹۸۸م: ۷۸). منظور از چنین اطلاعاتی همان اطلاعات اصلی در مورد زبان‌های مورد نظر مترجم است که می‌بایست در مقام یک مترجم نسبت به آن آگاهی داشته باشد.

در خصوص ترجمه، نظریات گوناگونی مطرح شده است که یکی از این نظریات، نظریه جوزف مالون «Joseph malone» است. مالون به عنوان یکی از نظریه‌پردازان حوزه ترجمه، نظریه وینه و داربلنه را طبقه‌بندی و روش‌هایی را برای ترجمه ارائه کرد. راهکارهای او برای ترجمه عبارت است از: «تطابق، متناوب‌سازی، سازگاری، بازمجموعه سازی، آرایش تازه (رمزگذاری تازه) و پل‌سازی» (مالون، ۱۹۸۸م: ۲). وجه تمایز رویکرد مالون در این است که او افزون بر راهکارهای ارائه شده از سوی وینه و داربلنه، پس از گذشت سی سال شگردهای بیشتری را به فهرست نظریه آنها می‌افزاید و ادعا می‌کند این قبیل شیوه‌ها و فنون هم به عنوان ابزارهایی برای مطالعه ترجمه تکمیل شده، به کار می‌روند، یعنی دارای حالت تحلیلی‌اند «Analytic» و هم به عنوان کمک کننده‌هایی برای ترجمه کارآیی دارند، یعنی از ویژگی کارکردی «Operativ» برخوردارند (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۰۷).

با ارزشیابی و نقد ترجمه می‌توان کیفیت یک اثر را تعیین کرد. در صورت عدم توجه به موضوع ارزیابی و نقد، ترجمه‌هایی خارج از اصول شکل خواهند گرفت. «ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه، ضروری است. ارزشیابی ترجمه و مترجم زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در راستای بهبود

کیفیت ترجمه بیشتر شود، در ترجمه‌ها روند صعودی به وجود آید و در نهایت، ترجمه‌هایی با کیفیت داشته باشیم» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹ش: ۵۹). برای مصون ماندن از آسیب‌ها، نیاز به قوانینی است که معیار و ملاک‌هایی را برای ناقدان و ارزیاب‌ها ارائه دهد که این دو گروه به صورت مستدل و با مبانی قابل اعتماد که مورد تأیید صاحب‌نظران ترجمه نیز باشد، اقدام به نقد و ارزیابی نمایند (صبیادانی و دیگران، ۱۳۹۶ش: ۹۱).

در این جستار، ترجمه‌های ارفع، استاد ولی، آیتی و برزی از ۱۶ آیه منتخب قرآن کریم بر اساس مؤلفه‌های تعیین شده از سوی جوزف مالون مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. علت انتخاب ترجمه مترجمان معیارهای فرهنگی، زبانی و اجتماعی دو زبان مبدأ و مقصد طبق نظریه مزبور است که این معیارها از سوی برخی از آنها رعایت و از سوی برخی دیگر رعایت نشده است، همین امر زمینه بررسی و تطبیق رویکرد مذکور بر روی ترجمه‌های منتخب را فراهم آورده است. هر چند امکان بررسی این نظریه بر روی سایر ترجمه‌های ارائه شده از قرآن کریم نیز وجود دارد.

۱-۱- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش مورد نظر را می‌توان به دو بخش پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه قرآن و پژوهش‌های انجام شده در مورد رویکرد نظری مالون تقسیم نمود:

الف: پایان نامه «بررسی و نقد هشت ترجمه از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم بر اساس میزان توجه به تناسب و ارتباط آیات»، قندالی، (۱۳۹۳ش)، استاد راهنما: پارچه‌باف دولتی، دانشکده علوم قرآنی، تهران. در این نوشتار، انواع ارتباطات موجود در قرآن کریم و بصورت نمونه، ترجمه دو سوره طلاق و تحریم، در ترجمه آقایان الهی قمشه‌ای، مکارم شیرازی، فولادوند، انصاریان، کریم زمانی، مشکینی، حداد عادل و صفوی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. نتیجه آن‌که در هشت ترجمه مورد بررسی، توجه به تناسب و ارتباط میان آیات سوره، در اکثر موارد مغفول واقع شده است. البته ترجمه آقای صفوی در این امر وضعیت

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمان‌حقیقی

بهتری نسبت به سایرین دارد. در نهایت نیز ترجمه‌ای با توجه به رویکرد فوق، برای دو سوره طلاق و تحریم پیشنهاد شده است.

ب: مقاله «مقایسه و ارزیابی ترجمه انصاریان و طاهری از سوره ملک بر اساس الگوی نقد گارسس»، کشفی و قاسم‌نژاد (۱۴۰۰ش)، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث. شماره ۱۵، صص ۱۹۰-۱۵۶. نویسنده ترجمه طاهری و انصاریان از سوره ملک را بر اساس الگوی ارزیابی ترجمه گارسس در چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمان و سبکی) مورد ارزیابی و نقد قرار داده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ترجمه انصاریان و طاهری از منظر شاخص‌های نظریه گارسس قابل نقد و ارزیابی است. ترجمه انصاریان دارای مصادیق بسیاری برای عناصر بسط واژگانی و ترجمه طاهری برای زیرگروه تعدیل، حذف و تقلیل مصادیق فراوانی دارد که این خود از منظر گارسس، شاخص‌های مثبت ترجمه انصاریان را نسبت به ترجمه طاهری قابل توجه‌تر نموده است.

ج: مقاله «نقد و بررسی کاربرست نظریه نایدا در ارزیابی ترجمه‌های قرآن»، سادات هاشمی، (۱۴۰۰ش)، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. شماره ۲۵، صص ۳۰۹-۲۸۵. پنج پژوهش مبتنی بر نظریه نایدا را در زمینه نقد قرآن به عنوان مطالعه موردی، مورد بررسی قرار داده است تا لغزشگاه‌های پژوهشگران را در کاربرست این نظریه بررسی کند. این پژوهش نشان می‌دهد ناقدان گاه در فهم معنای معادل صوری و پویا دچار اشتباه شده و مصادیق آن را به اشتباه در ترجمه‌ها یافته‌اند. در مواردی نیز با وجود این که نظریه مزبور را مبنای نقد خود قرار دادند، اما نقد در مسیری متفاوت از این چارچوب حرکت کرده است که در برخی موارد علت این امر به عدم تناسب چارچوب نظری با داده‌های تحقیق برمی‌گردد.

د: مقاله «باز آرای‌های زبانی در ترجمه رمان النوم فی حقل الکروز اثر اهر جرجیس بر

اساس الگوی هم ترازوی فرهنگی مالون»، صیادانی و حیدرپور مرند، (۱۴۰۱ش)، پژوهش‌های زبان شناختی در زبان‌های خارجی. شماره ۴، صص ۴۸۹-۵۱۴. به بررسی ترجمه رمان مذکور بر اساس نظریه مالون پرداخته است. برآینده پژوهش نشان می‌دهد نمودهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در ضمن عملکرد شخصیت‌ها و هنجارهای کلامی آنها به وضوح بازتاب یافته است.

نواوری و تفاوت جستار حاضر با سایر پژوهش‌های صورت گرفته به ویژه مقاله «بازآرایی‌های زبانی در ترجمه رمان النوم فی حقل الکرز»؛ در بررسی، تبیین و تحلیل تمامی مؤلفه‌های شش گانه جوزف مالون می‌باشد، به طوری که دو مقوله آرایش تازه و پل‌سازی مالون در مقاله یاد شده مورد مذاقه و تطبیق قرار نگرفته است. علاوه بر این تاکنون ترجمه آیات قرآنی بر اساس نظریه مالون مورد مطالعه و ارزیابی قرار نگرفته است.

۲-۱- سوالات پژوهش

- ۱- نقش و کاربرد الگوواره‌های جوزف مالون در متبلور ساختن معانی واژگان و عبارات انتخابی از قرآن چیست؟
- ۲- عملکرد کدام یک از مترجمان در برگردان فارسی نمونه‌های انتخابی به نظریه مالون نزدیک‌تر بوده است؟

۳-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

همواره شیوه ترجمه متون به خصوص متون دینی، یکی از چالش‌های پیش رو در نزد مترجمان و ادیبان است. نظریه‌های گوناگونی در خصوص روش‌های ترجمه مطرح شده است که هر کدام نقش به سزایی در آسان‌سازی و رفع موانع ترجمه دارد. معرفی و بررسی تطبیقی نظریه مورد بحث در کنار سایر نظریه‌ها می‌تواند در زمینه نقد و بررسی ترجمه، راهگشا و اثربخش باشد و آفاق جدیدی را فرا روی مترجمان فراهم کند. علاوه بر این رویکرد مالون دربردارنده مؤلفه‌هایی است که می‌تواند به روشمندسازی و سازمان‌بندی

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

معنایی و دستوری متن به ویژه متن کلام وحی کمک کند.

۲- الگوی جوزف مالون

نظریه جوزف مالون به عنوان یکی از نظریه‌های نوین در حوزه ترجمه به شمار می‌رود که از آن می‌توان مانند سایر نظریه‌های ارائه شده در باب ترجمه برای نقد و ارزیابی متون استفاده کرد. مالون برای ترجمه ۶ مؤلفه در نظر گرفته است که در ادامه به شرح هر یک از این مؤلفه‌ها و تطبیق آن بر روی مثال‌های انتخابی پرداخته می‌شود:

۲-۱- تطابق (جانشینی و برابری)

نخستین شگرد معرفی شده از سوی مالون، روش تطابق است. تطابق یک خط سیر عملکردی است که در فرآیندهای ترجمانی نمود می‌یابد. این سیر عملکردی اساساً متناسب با موقعیت‌های زبانی، شرایط و مبانی واضحی را برای انواع الگوواره‌های معنی که قابلیت برقراری تعادل‌های زبانی را در فرآیندهای ترجمانی ندارند، فراهم می‌سازد (صیادانی و حیدرپور مرنند، ۱۴۰۱ش: ۴۹۴). الگوی برابر سازی «Transposition» نظامی است در جهت تطبیق اصطلاحات و عبارت‌های زبانی که مترجم می‌تواند به واسطه این الگو به انتقال نمادین نشانه‌ها و اصطلاحات مزبور بپردازد. در واقع برابری، همگونی و همسانی اصطلاحات مشترک فرهنگی است.

جانشینی «Equation» به عنوان قرض‌گیری اصطلاحات خاص زبانی می‌باشد. این اصل به عنوان پربسامدترین الگوی بازآرایی ترجمانی مالون در تطبیق عناصر زبانی و اصطلاحات فرهنگی می‌باشد (همان: ۵۰۱-۴۹۹).

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۴۰).

ارفع: خداوند به اندازه ذره‌ای به کسی ظلم نمی‌کند: اگر کار نیکی باشد، آن را چند برابر می‌کند و از جانب خویش پاداش بزرگ می‌دهد.

استادولی: همانا خدا به وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند، و اگر همان اندازه کار نیکی باشد آن را دو چندان می‌کند، و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌دهد.
آیتی: خدا ذره‌ای هم ستم نمی‌کند اگر نیکی‌ای باشد آن را دو برابر می‌کند و از جانب خود مزدی کرامند می‌دهد.

برزی: قطعاً خداوند به اندازه‌ی ذره‌ای هم ستم نمی‌کند و اگر حسنه‌ای [عمل نیکی از جانب کسی] باشد، آن را دو چندان پاداش می‌دهد و از نزد خویش مزدی بزرگ می‌بخشد.
در مثال فوق ترکیب "مثقال ذره" در فرهنگ زبان عربی نشان دهنده مقدار و حجم بسیار ناچیزی است. هر چهار مترجم با تکیه بر الگوی برابرسازی در فرآیند ترجمه، تعبیر مزبور را به همان صورت لفظی خود در زبان مقصد بازتاب داده‌اند. مترجمان می‌توانستند برای ترکیب مذکور از برابر نهاد "سر سوزنی" نیز استفاده کنند اما به منظور تبیین و نشان دادن هر چه بهتر موقعیت و بافت کلام، عین همان را در ترجمه خود انتقال داده‌اند. گاهی در زبان فارسی از عبارت "مثقال ذره‌ای" که خود برابرسازی شده عبارت عربی "مثقال ذره" است، به کار گرفته می‌شود. مترجمان نیز با توجه به اطلاعات فرهنگی و زبانی خود اقدام به برابرسازی فرهنگی نموده و یک نوع یکپارچگی و همسانی را در فرهنگ دو زبان ایجاد کرده‌اند.

۲_ ﴿مُتَكِينِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ﴾ (الرحمن/۵۴).

ارفع: در بسترهایی آرمیده‌اند که آستر آن استبرق است و میوه‌های آن دو باغ در دسترس است.

استادولی: درحالی که تکیه زنند بر بالش‌ها و بسترهایی که آستر آنها از دیبای ستر است و میوه‌های چیدنی آن دو بهشت نزدیک و در دسترس است.
آیتی: بر بسترهایی که آسترشان از استبرق است تکیه زده‌اند و میوه‌های آن دو بهشت در دسترس‌شان باشد.

برزی: [اهل بهشت] بر فرش‌هایی تکیه زده‌اند که آسترهای آنها از دیبای سبتر است، در حالی که چیدن میوه‌ی آن دو باغ بهشت در دسترس است.
واژه "استبرق" نوعی گیاه است که از الیاف آن برای بافتن پارچه‌هایی از جنس دیبا استفاده می‌شود. این وام واژه در زبان عربی به همان فرمی که در فرهنگ زبان فارسی به کار گرفته می‌شود، نمود یافته است. ارفع و آیتی با عنایت به قرائن و اشتراک‌های فرهنگی و زبانی با برقراری ارتباط برابرسازی میان دو زبان فارسی و عربی، همان صورت لفظی و معنایی واژه فوق را در ترجمه خود متبلور ساخته‌اند. آیتی و برزی از برابرنهاد و معنای تعیین شده برای کلمه مذکور، در زبان مقصد بهره جسته‌اند.

۳_ ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۹۱).

ارفع: به یاد آور داستان مریم را که خود را پاک دامن نگه‌داشت آنگاه ما از روح خود در وی دمیدیم.

استادولی: و آن زن (مریم) را، که دامن خویش نگاه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم.

آیتی: و آن زن را یاد کن که شرمگاه خود را نگاه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم.
برزی: و آن زن [مریم] را [یاد آر] که دامن خود را پاک نگه داشت، آن گاه از روح خود در او دمیدیم.

واژه "فرج" در آیه فوق در لفظ به معنای شکاف بین دو پا می‌باشد. مترجمان به دلیل برخی تفاوت‌ها و محدودیت‌های زبانی و فرهنگی و به فراخور سیاق و معیارهای زبان مقصد از مؤلفه جانشینی استفاده کرده و تعبیری مناسب با زبان هدف را در ترجمه‌های خود بازتاب داده‌اند. بدین صورت که معادل "دامان و شرمگاه" را جایگزین و جانشین معادل صریح "واژن" ساخته‌اند. بیان جایگزین ممکن است به این دلیل باشد که ما معادل موجود در ذهن

خود را نمی‌پسندیم و تمایل داریم معادل زیباتر و مناسب‌تری ارائه دهیم، از این رو بیان جمله فارسی را تغییر می‌دهیم تا با معادل‌هایی که در ذهن داریم متناسب شود. البته باید توجه داشت معادل‌های مد نظر به معنا و مفهوم جمله خللی وارد نسازد (حیدری، ۱۳۹۸ش: ۲۰۶). همان‌گونه که مالون می‌گوید زمانی که نتوان به هر دلیل از برابری استفاده کرد، جایگزینی روشی مناسب برای ترجمه است. او به کاربرست نوع اصطلاحات واژگانی در ترجمه متون مقدس مذهبی و یا جریان‌های گفتمانی از زبان مبدأ به فرهنگ مقصد در باب جایگزینی فرهنگی اشاره دارد (صیادانی و حیدرپور مرنند، ۱۴۰۱ش: ۴۹۵). متداول ترین نوع تغییر در ساختار جمله، جایگزینی است که به منظور طبیعی‌سازی متن توسط مترجم صورت می‌گیرد. مترجم با تغییر در ساختار و فرم زبان بدون آن‌که در معنا خللی وارد شود، تحولی در این زمینه ایجاد می‌کند (غفاری و همکاران، ۱۴۰۰ش: ۱۷).

۲-۲- متناوب‌سازی (واگرایی و همگرایی)

دومین روش مطرح شده از سوی جوزف مالون مؤلفه متناوب‌سازی (واگرایی و همگرایی) است. در الگو واره واگرایی «Divergence» بحث در باب پیوندهای ترجمه‌ای میان عبارت‌های مشخص زبانی و فرهنگی غالبی است که در بستر روابط و نسبت‌های معینی معنا پیدا می‌کند. نظام واگرایی به جهت بازنمود عناصر زبان شناسی، موقعیتی، سبکی و عاطفی در جریان گفتمانی نقش بایسته خود را باز می‌یابد. به همین جهت در مؤلفه مذکور بررسی نقل قول‌ها، گفتمان‌های کنایی، نحوه ترجمه نشانه‌های سبکی - عاطفی و نیز ترجمه قوافی و بحور شعری از اهمیت بسیاری برخوردار است (صیادانی و حیدرپور مرنند، ۱۴۰۱ش: ۵۰۳).

مالون به این نکته اشاره می‌کند که ممکن است در جریان واگرایی، واگرایی جانشینی، جایگزین واگرایی همنشینی شود. یعنی مترجم تمامی احتمالات ترجمه را در کنار هم قرار دهد، آن هم به جای این‌که صرفاً یک واژه یا عبارت در زبان مبدأ را در قالب واگرایی به یک

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

یا دو واژه و عبارت در زبان مقصد ترجمه کند (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۱۴). در نقطه مقابل واگرایی، همگرایی «Convergence» قرار می‌گیرد. مالون از این نظام به عنوان تقارب معنایی یاده کرده است؛ یعنی شرایطی که در آن، واژه‌های متعدد زبان مبدأ صرفاً از یک معادل در زبان مقصد برخوردارند (همان: ۱۱۵). متناوب‌سازی اصطلاحی است که واگرایی و همگرایی را شامل می‌شود. در چنین مواردی در زبان مبدأ واژه‌هایی وجود دارند که «جفت هم‌ریشه» «Doublet» نامیده می‌شوند. منظور از جفت هم‌ریشه واژه‌هایی است که از معنی یکسانی برخوردارند، اما معانی ضمنی‌شان با هم تفاوت دارد. متناوب‌سازی در بهترین حالت، شرایطی را نشان می‌دهد که مترجم باید میان واگرایی و همگرایی دست به انتخاب بزند (همانجا). بحث همگرایی اشاره به اصطلاحاتی دارد که یک عبارت کلامی در زبان مبدأ صرفاً از یک معادل یا همتای زبانی در زبان مقصد برخوردار است؛ چنین اقوالی بیشتر در اصطلاحات کلامی خاص نمود می‌یابد (صیادانی و حیدرپور مرند، ۱۴۰۱ش: ۵۰۴).

۱- ﴿يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (قلم/۴۲).

ارفع: روزی که ساق پاها برهنه می‌شود و دعوت به سجده می‌گردند، ولی نمی‌توانند. استادولی: [یاد آرند] روزی که کار بر [کافران] سخت گردد و به سجده فراخوانده شوند ولی نتوانند.

آیتی: روزی که آن واقعه عظیم پدیدار شود و آنها را به سجود فرا خوانند، ولی نتوانند. برزی: روزی که پرده از روی کار برداشته شود و آنان [مشرکان] را به سجده کردن دعوت کنند ولی توانایی نیابند.

در این مثال عبارت «یکشف عن الساق» یک تعبیر اصطلاحی است. «اصل این جمله این است که هنگامی که شخصی با کاری بزرگ و مهم که نیازمند تلاش و جدیت است

مواجهه شود، لباس از ساق پایش بالا می‌زند (دامن به کمر می‌زند) تا از عهده آن کار به خوبی برآید؛ بنابراین، کشف از ساق و به عبارت دیگر، دامن به کمر زدن، استعاره آورده می‌شود برای جایگاه‌های شدت و رنج و سختی. بنابراین، معنای آیه این است: روزی که کار سخت شود، به حدی که نیازمند دامن به کمر بستن باشد، و مشرکان به سجده فرا خوانده شوند اما نتوانند سجده کنند» (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ق: ۱۳۷).

با بررسی ترجمه‌های ارائه شده، مشخص گردید تنها ارفع این نشانه زبانی را بدون در نظر گرفتن ارتباط بافتی و موقعیتی کلام، ترجمه کرده است. بحث مهم در واگرایی، انعکاس نکات و عبارات اصطلاحی و کنایی پیچیده‌ای در متن است که انتقال این نشانه‌های زبانی بدون در نظر داشتن پیوندهای موقعیتی زبان امری نامعقول است؛ چرا که به احتمال فراوان در چنین انتقالی، کنه مطلب و اصل مفهوم از سوی مخاطب زبان مقصد دریافت نمی‌شود (صیادانی و حیدرپور مرنند، ۱۴۰۱ش: ۵۰۳). سه مترجم دیگر با عبور از ساختار اصلی تعبیر مذکور از معنای لفظی به معنای ضمنی، برابرنهادی مناسب با چارچوب‌های زبانی و فرهنگی زبان مقصد ارائه نموده‌اند.

۲- «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَزَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف / ۱۴۹).

ارفع: وقتی گوساله در دست‌های آنان افتاد دیدند که گمراه شده‌اند، گفتند: اگر پروردگار ما بر ما رحم نکند و ما را نبخشد، از زیانکاران خواهیم بود.

استادولی: و چون به خود آمدند و دیدند که به راستی گمراه شده‌اند، گفتند: اگر پروردگارمان بر ما رحم نیاورد و ما را نیامرزد بی‌گمان از زیانکاران خواهیم بود.

آیتی: و چون از آن کار پشیمان شدند و دیدند که در گمراهی افتاده‌اند، گفتند: اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، در زمره زیان‌کردگان خواهیم بود.

برزی: و هنگامی که پشیمان شدند و دیدند که به راستی خود گمراه شده‌اند، گفتند: «اگر

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

پروردگاران بر ما رحم نکند و ما را نیامرزد، بی شک از زیانکاران خواهیم بود». عبارت ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ یک تعبیر کنایی است. زمخشری در تفسیر و معنای این جمله می‌گوید: «و هنگامی که آنان بر پرستش گوساله سخت پشیمان شدند. آن‌گاه در باب رابطه میان پشیمانی و عبارت ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ می‌گوید: شأن کسی که از کاری به شدت پشیمان شود و بر ارتکاب آن حسرت و اندوه خورد این است که دست خود را از روی غم و اندوه به دندان گزد، آن‌گاه انگشتش بر اثر شدت گزش کنده شده و در دستش بیفتد، از این‌رو، ترکیب ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ (افتادن انگشت کنده شده در دست) کنایه از شدت پشیمانی می‌باشد» (زمخشری، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ۱۶۰).

در این نمونه عنصر عاطفی موجود در تعبیر فوق از سوی سه مترجم در زبان مقصد تجلی یافته است، به طوری که عنصر عاطفی ابراز ندامت و حسرت را متناسب با شرایط و موقعیت کنشگران در ترجمه متبلور ساخته‌اند که این امر نشان از به کارگیری و توجه به مقوله واگرایی دارد. ارفع با ارائه ترجمه تحت اللفظی نتوانسته است به بازنمود اصلی و حقیقی تعبیر مزبور در زبان مقصد دست پیدا کند. گاهی ترجمه لفظی مانع از انتقال و نفوذ عناصر عاطفی به ذهن مخاطب می‌گردد؛ چرا که در این نوع ترجمه تنها ساختار و معنای بیرونی و ظاهری کلمات و عبارات مد نظر قرار می‌گیرد.

۳- ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (صافات/۳۵).

ارفع: اینها کسانی بودند که وقتی به آنها گفته می‌شد: نیست خدایی جز پروردگار، کبر می‌ورزیدند.

استادولی: آنان چنان بودند که هرگاه به ایشان گفته می‌شد: خدایی جز خدای یکتا نیست، گردن‌فرازی می‌کردند [وزیر بار نمی‌رفتند].

آیتی: چون به آنان گفته می‌شد که جز خدای یکتا خدایی نیست تکبر می‌کردند.

برزی: البتّه آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می‌شد که هیچ خدایی جز خداوند نیست، تکبر می‌ورزیدند.

۴_ ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/۱۵۶).

ارفع: همان کسانی که وقتی دچار مصیبتی می‌شوند می‌گویند: ما متعلق به خدایم و به سوی او باز می‌گردیم.

استادولی: آنان که چون مصیبتی بدیشان رسد گویند: ما از آن خدایم و همه به سوی او باز می‌گردیم.

آیتی: کسانی که چون مصیبتی به آنها رسید گفتند: ما از آن خدا هستیم و به او باز می‌گردیم.

برزی: کسانی که چون مصیبتی به ایشان رسد، گویند: «ما از آن خداوندیم و ما به سوی او باز می‌گردیم.»

در مثال‌های ۳ و ۴ شاهد دو عبارت ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ و ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ هستیم. این دو عبارت از جمله ترکیب‌هایی هستند که در فرهنگ زبان فارسی به منظور تقارب معنایی میان دو زبان فارسی و عربی و به دلیل استعمال زیاد به همان اصلی فرم خود به کار گرفته می‌شوند. در چنین مواقعی بحث همگرایی مطرح می‌شود. در همگرایی همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، یک جمله در زبان مبدأ از یک معادل در زبان مقصد برخوردار است. با بررسی ترجمه‌های ارائه شده از این دو تعبیر مشخص گردید مترجمان بدون توجه به اصل همگرایی و همسان‌سازی آنها را در زبان مقصد انتقال داده‌اند، در صورتی که می‌توانستند آنها را به همان شکل عربی خود ذکر کنند تا تقارب و اشتراک معنایی و زبانی میان دو عبارت در دو فرهنگ فارسی و عربی حفظ و به مخاطب منتقل شود.

۲-۳- سازگاری (بسط و کاهش)

سازگاری یکی دیگر از مؤلفه‌های تعیین شده از سوی مالون است. سازگاری اصطلاحی کلی

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

برای بسط «Expansion» و کاهش «Rduction» به حساب می‌آید. عنصر بسط را می‌توان به جای فن «اقتباس» «Adaptation» به کار برد، به این معنا که به جای اقتباس فرهنگی به مثابه راهکاری برای پرکردن خلاءهای موجود در نزد مخاطبان زبان مقصد توضیحاتی ارائه دهیم. این که مترجم تا چه اندازه می‌تواند از این فن استفاده کند، به نگرش و دیدگاه او در مورد متن و دشواری آن مربوط می‌شود (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۱۶). بسط شامل افزودن یک یا چند واژه به عنوان صفت، قید و یا یک ترکیب اضافی در متن هدف است. این افزودن می‌تواند سوای ترجمه تحت اللفظی عبارت متن مبدأ به متن مقصد باشد (صیادانی و حیدر پور مرند، ۱۴۰۱ش: ۵۰۶).

در بسیاری از موارد مترجم می‌کوشد تا ترجمه را بسط دهد، درواقع با دانش دایرة المعارفی سروکار دارد و از آنجا که این نوع بسط‌ها خلاءهای اطلاعاتی را پرمی‌کنند، مالون آن را «بسط جبرانی» «Compensatory amplifications» می‌نامد (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۱۶). بسط‌های جبرانی می‌توانند شامل اضافه کردن یک یا دو واژه در متن و یا شامل افزودن پانویس و یا حتی پیوست باشد.

مواردی از بسط‌ها وجود دارند که به دلایل زبان شناختی باید اعمال شوند. مالون این موارد را «بسط‌های طبقه‌بندی شده» «Classificatory amplifications» می‌نامد؛ زیرا این نوع بسط‌ها نشان می‌دهند که واژه مورد نظر تنها یکی از مجموعه واژه‌هایی است که می‌تواند باز نمایی شود. برای نمونه ممکن است واژه «old» پیش از اسم مستعار قرار بگیرد تا نشان دهد این واژه به کدام طبقه تعلق دارد (مالون، ۱۹۸۸م: ۴۵).

کاهش یا قبض شامل حذف اطلاعات غیرضروری یا کم اهمیت می‌شود تا متن هر چه بیشتر برای خواننده زبان مقصد امکان درک بیابد. این امر در صورتی انجام می‌گیرد که خللی در معنا و پیام متن ایجاد نگردد (همان: ۴۷).

۱- ﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَْعَذَّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (فتح/ ۱۷).

ارفع: بر نابینا و لنگ و بیمار شرکت نکردن در جنگ گناهی نیست و هر که از خدا و رسول او اطاعت کند او را به باغ‌هایی در بهشت وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است و هر که مخالفت نماید به عذابی دردناک او را گرفتار خواهد کرد. استادولی: بر افراد کور و لنگ و بیمار حرجی نیست [که در جنگ شرکت نکنند]، و هرکه خدا و رسولش را فرمان برد او را به بهشت‌هایی درآورد که از زیر آنها جویبارها روان است، و هرکه روی بگرداند او را عذابی دردناک خواهد نمود.

آیتی: بر کور حرجی نیست، و بر لنگ حرجی نیست و بر بیمار حرجی نیست و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را به بهشت‌هایی داخل می‌کند که در آن نهرها روان است و هر که سر برتابد به عذابی دردآور عذاب می‌کند.

برزی: بر نابینا گناهی نیست، و بر لنگ هم گناهی نیست، و بر بیمار نیز گناهی نیست، و هرکس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند، او را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن رودها روان است، درمی‌آورد، و هرکس رو بگرداند، به عذابی دردناک او را عذاب کند.

در این نمونه ارفع و استاد ولی با افزودن ترکیب "شرکت نکردن در جنگ" به ترجمه‌های خود، آن را بسط داده‌اند. دو مترجم دیگر بدون اضافه کردن عباراتی، برگردان خود از عبارت فوق را ارائه داده‌اند.

۲- ﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا﴾ (مزمّل/ ۱۸).

ارفع: آسمان از وحشت آن روز می‌شکافد و وعده الهی واقع خواهد شد. استادولی: آسمان در آن روز (یا از شدت آن روز) شکافته شود؛ [آری] وعده او انجام پذیر است.

آیتی: در آن روز آسمان بشکافد و وعده خدا به وقوع پیوندد.

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

برزی: آسمان در آن [روز] از هم شکافته گردد، وعده‌ی او حتمی است.

در نمونه فوق ارفع و استاد ولی ترکیب ﴿به﴾ را به صورت مستقیم ترجمه نکرده و با افزودن قید "وحشت و شدت" سعی در نشان دادن میزان سختی روز قیامت دارند. این امر بیانگر کاربست نظام بسط در فرآیند ترجمه است. دو مترجم دیگر مؤلفه بسط را در برگردان خود به کار نگرفته‌اند.

با بررسی ترجمه‌های نمونه اول و دوم می‌توان گفت ارفع و استاد ولی با عنایت به شرایط و نکات برون زبانی زبان مقصد اقدام به بسط عبارات کرده و تصویر معنایی نهفته در ساخت های مذکور را به خوبی ترسیم کرده‌اند. دو مترجم دیگر بدون استفاده از مقوله بسط، آیه مزبور را برگردان نموده‌اند. چنین افزودنی علاوه بر انتقال مفهوم و نظام معنایی موجود در اصل عبارت به مخاطب، موجب تأثیر روانی و عاطفی بیشتری نسبت به اصل ترکیب زبانی با ترجمه لفظی در نزد مخاطب هدف می‌شود (صیادانی و حیدرپور مرنند، ۱۴۰۱ش: ۵۰۷). در مؤلفه "بسط" عین همان کلمات (واژه) و جملاتی که به متن ترجمه افزوده می‌شوند در متن اصلی به فرم لغوی خود وجود ندارد و مترجم به منظور تبیین هر چه بهتر مفهوم کلام آن، از افزوده معنوی و ضمنی بهره می‌گیرد. همچنین به کارگیری بسط در ترجمه ضمن این‌که از لحاظ عاطفی و فکری بر روی مخاطب اثر می‌گذارد، از ترجمه تحت اللفظی بدون در نظر داشتن اصل بسط، بهتر و برتر است (همان).

۳- ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (منافقون/ ۶).

ارفع: چه برای آنها طلب بخشش کنی و یا نکنی، هرگز خداوند آنها را نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند مردم فاسق را هدایت نمی‌کند.

استادولی: بر آنان یکسان است چه برایشان آمرزش خواهی چه آمرزش نخواهی،

خداوند هرگز آنان را نخواهد آمرزید، که خداوند مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند. آیتی: تفاوتی نکند، چه برایشان آمرزش بخواهی چه آمرزش نخواهی خدایشان نخواهد آمرزید و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند.

برزی: بر ایشان یکسان است چه بر ایشان آمرزش بخواهی چه بر ایشان آمرزش نخواهی، هرگز خداوند ایشان را نیامرزد، به راستی خداوند قوم فاسقان را هدایت نمی‌کند. در این مثال ارفع با توجه به وجود قرینه «أَسْتَغْفِرُ» از عنصر کاهش برای ترجمه «لَمْ تَسْتَغْفِرْ» استفاده کرده و فعل مزبور را به صورت ترکیب کاهش یافته در زبان مقصد بازتاب داده است. سه مترجم دیگر بدون در نظر گرفتن این مؤلفه، از ترجمه تکراری و کاهش نیافته جهت برگردان این فعل استفاده کرده‌اند. کاهش اصطلاحی است که هر یک از نظریه پردازان حوزه ترجمه یک اصطلاح برای آن در نظر گرفته‌اند که یکی از این اصطلاحات از دید مالون "حذف" می‌باشد. کاستن از عناصر واژگانی در ترجمه به فراخور بافت متن هم می‌تواند باعث ایجاد انسجام و انتقال معنا گردد و هم باعث کاهش زیبایی انسجام متن مقصد گردد. بنابراین حذف یا کاهش به منظور کاستن از ساختار کلام انجام می‌گیرد که این امر می‌تواند به شکل متعهدانه باشد یا از روی غفلت و خطای مترجم صورت پذیرد. در صورتی که فاصله میان فعل اول تا فعلی که دوباره تکرار می‌شود، زیاد باشد، بر تکرار فعل در زبان مقصد خرده‌ای نیست. اما در نمونه فوق فاصله میان دو فعل تکراری زیاد نیست، بنابراین تکرار آن در زبان مقصد کمی ناخوشایند به نظر خواهد آمد. به کارگیری مؤلفه کاهش می‌تواند باعث خوشایندی متن ترجمه شود. باید به یاد داشت که کاهش یا حذف غیر ضروری واژگان و عبارات در متن مقصد آسیبی به معنا و پیام اصلی کلام وارد نسازد.

مترجم در برخی موارد ممکن است اقدام به حذف یا اضافه در ترجمه نماید. نکته قابل توجه در زبان نیز در این نکته نهفته است که جذابیت معنایی زبان هنگامی آشکار می‌شود که یکی از دو رکن آن یا یکی از متعلقات آن حذف شود یا حتی ممکن است با ذکر آن واژه

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

یا عبارت محذوف، کلام رکیک گردد. البته مترجم تنها در صورتی حق خواهد داشت اقدام به این حذف یا اضافه نماید که توجیه یا غرض توجیه‌پذیری داشته باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد مترجم می‌تواند آنچه را که در خدمت محتوای کلی اثر قرار ندارد، حذف نماید (گنجیان خناری، ۱۳۹۷ش: ۱۰۹-۱۱۰).

۲-۴- بازمجموعه‌سازی (پراکنده‌سازی و متراکم‌سازی)

یکی دیگر از شگردهای مالون برای ترجمه، مؤلفه بازمجموعه‌سازی است. اصطلاح بازمجموعه‌سازی شامل پراکنده‌سازی «Dispersion» و متراکم‌سازی «Condensation» می‌شود. در شرایطی که در جریان بسط و کاهش، اطلاعاتی به متن افزوده یا از آن کاسته می‌شود در پراکنده‌سازی و متراکم‌سازی، همان اطلاعات موجود به شکلی طولانی‌تر یا کوتاه‌تر بیان می‌گردد (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۲۱). پراکنده‌سازی می‌تواند به دو دلیل رخ دهد: یکی دلیلی ساختی است و به توانش زبانی مرتبط است و دیگری کاملاً به ترجمه مربوط می‌شود. به اعتقاد مالون، متراکم‌سازی نسبت به پراکنده‌سازی از کاربرد کمتری برخوردار است. یکی از کاربردهای متراکم‌سازی در طول سال‌ها نیاز به حذف بخش‌هایی از متن بوده که خسته‌کننده یا ناپسند به نظر می‌رسیدند یا به لحاظ سیاسی مشکل‌آفرین بودند (همان: ۱۲۲-۱۲۴).

در پراکنده‌سازی، ترجمه یک واژه یا یک عبارت طولانی‌تر از متن اصلی می‌شود اما در متراکم‌سازی، ترجمه از متن مبدأ کمتر و کوتاه‌تر می‌گردد. آنچه که باعث پراکنده‌سازی و طولانی شدن یک واژه یا یک عبارت در متن ترجمه می‌شود، اضافه نمودن واژگان هم‌ردیف و هم معنا است که فرم لغوی آن در متن اصلی نیز وجود دارد، بر خلاف مؤلفه بسط که در آن واژگان و عبارات مترادف وجود ندارد و مترجم از کلمات و جملات جدید که روشن‌کننده مفهوم ضمنی کلام است، استفاده می‌کند. تفاوت این دو اصل با بسط و کاهش در

شرایط زبانی این اصول در ساختار ترجمانی است؛ یعنی در اصول زبانی بسط و کاهش طولانی کردن و یا کوتاه کردن متن ترجمه‌ای صرفاً با افزودن و یا تقلیل یک یا چند واژه به عنوان صفت، قید و غیره از ساختار متن ترجمه‌ای امکان‌پذیر است. اما در رهیافت‌های پراکنده‌سازی و متراکم‌سازی، توجه مترجم به نظام جمله‌ای متن زبانی «جمله‌واره» معطوف است (صیادانی و حیدرپور مرند، ۱۴۰۱ ش: ۵۰۹).

۱- ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ (تکویر/ ۱ و ۲).

ارفع: در آن هنگام که خورشید تاریک شود و و ستارگان بی نور شوند.

استادولی: آن‌گاه که خورشید درهم پیچید و بی نور گشت و آن‌گاه که ستارگان تاریک

شدند و فرو ریختند.

آیتی: چون خورشید بی فروغ شود و چون ستارگان فرو ریزند.

برزی: آن‌گاه که آفتاب بی فروغ شود.

در این مثال واژه‌های ﴿كُوِّرَتْ وَانْكَدَرَتْ﴾ در لفظ به ترتیب دارای معنای "تاریک شدن، بی نور شدن" است. با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید، تنها استادولی با استفاده از اصل پراکنده‌سازی، برابر نهاد ترکیب‌های موجود را از یک معادل به چند معادل یعنی به فرم "در هم پیچید و بی نور گشت، تاریک شدند و فرو ریختند" در زبان مقصد افزایش و انتقال داده است. باید گفت این نوع پراکنده‌سازی یا بسط به منظور روشن ساختن معنای واژگان زبان اصلی صورت می‌گیرد و دست مترجم در به کار بردن کلمات کاملاً باز است. باید به این نکته اشاره کرد که در پراکنده‌سازی بر خلاف بسط، واژگانی که به متن ترجمه افزوده می‌شوند، عین همان واژگان در متن مبدأ وجود دارد و مترجم با افزودن معنای هم ردیف اقدام به پراکنده‌سازی مفهوم می‌کند.

با توجه به این‌که متراکم‌سازی بر خلاف مؤلفه کاهش، در سطح عبارت و متن رخ می‌دهد و حجم آن در زبان مقصد به فرم چشمگیری کاهش می‌یابد و از آنجایی که متن

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

قرآن، یک متن دینی و حساس بوده و متراکم‌سازی و حذف سطح وسیعی از عبارات و متن در آن یک امر نامعقول به شمار می‌رود و نیز اغلب مترجمان نسبت به رعایت اصل امانت به این متن والا پایبند می‌باشند، لذا نمونه‌ای برای این مؤلفه یافت نشد. در مؤلفه کاهش، حذف واژگان و عبارات در حجم بسیار اندک اما بدون وارد کردن آسیب و خلل به پیکره متن اصلی و بر اساس قرینه صورت می‌پذیرد.

۲-۵- آرایش تازه (رمزگذاری تازه)

یکی دیگر از روش‌هایی که مالون برای ترجمه پیشنهاد می‌کند، «آرایش تازه یا رمزگذاری تازه» (Fresh makeup) است. مالون موقعیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که چنین دوباره واژه‌ها در کنار هم برای درک ضروری است، مانند زمانی که از طریق تقطیع ساخت‌های پیچیده، آرایش تازه‌ای از آن‌ها به دست داده می‌شود؛ یا به این دلیل که زبان‌های مبدأ و مقصد ساخت‌های روایی و سبکی متفاوتی دارند (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۲۵). آرایش تازه به بیان ساده‌تر به معنای ایجاد نظم و انضباط و شکلی تازه در ساختار جمله به شیوه‌ای منطقی و متفاوت با زبان اصلی است.

۱- ﴿وَأَنفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (منافقون/ ۱۰).

ارفع: قبل از آن‌که مرگ به سراغ یکی از شما بیاید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید؛ آنگاه بگوید: چرا مرگ مرا مدت کمی تاخیر نینداختی تا صدقه دهم و از صالحان باشم؟!

استادولی: و از آن‌چه روزی شما کرده‌ایم، انفاق کنید پیش از آن‌که مرگ یکی از شما در رسد آن‌گاه گوید: پروردگارا، چرا [مرگ] مرا تا مدتی نزدیک تأخیر نیفکندی تا صدقه دهم و از شایستگان شوم؟!

آیتی: از آنچه روزیتان داده‌ایم در راه خدا انفاق کنید، پیش از آن که یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: ای پروردگار من، چرا مرگ مرا اندکی به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از شایستگان باشم؟

برزی: از آن چه روزی شما کرده‌ایم، انفاق کنید قبل از آن که مرگ به سراغ یکی از شما بیاید و آن گاه او بگوید: «ای پروردگار من! چرا [اجل] مرا تا سر آمدی نزدیک به تأخیر نینداختی که صدقه بخشم و از صالحان باشم؟»

در این نمونه عبارت "من قبل آن" جمله پیرو به شمار می‌رود. تقدیم جمله پیرو در متن مقصد به عنوان یک آرایش تازه شناخته می‌شود. آرایش تازه و سبک قرار گرفتن ترکیب مذکور در زبان فارسی در ابتدای جمله و به صورت "پیش از آن که" می‌باشد. در واقع تغییر دادن سبک و شیوه قرار گرفتن عبارت مذکور در زبان فارسی یک نوع رمزگذاری تازه نامیده می‌شود. از میان مترجمان تنها ارفع با ایجاد یک نظم و ترتیب در ساختار برگردان خود، توانسته است یک نوع آرایش و رمزگذاری تازه را رقم بزند. سه مترجم دیگر با حفظ همان شکل و ساختار اصلی متن، اقدام به برابری کرده‌اند.

۲_ ﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ (فتح/۲۴).

ارفع: اوست که دست دشمنان را از سر شما و دست شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد بعد از آن که شما را بر آنها پیروز ساخت و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

استادولی: و اوست آن که در نزدیکی مکه (در حدیبیه) دست‌های آنان را از شما بازداشت و دست‌های شما را از آنان بازداشت پس از آن که شما را بر آنان پیروز ساخت (در سال بعد آزادانه به عمره رفتید)؛ و خداوند به آن چه می‌کنید بیناست.

آیتی: اوست که چون در بطن مکه بر آنها پیروزیتان داد، دست آنها را از شما و دست شما را از آنها بازداشت و خدا به کارهایی که می‌کردید آگاه و بینا بود.

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمان‌حقیقی

برزی: و او کسی است که بعد از آن که شما را بر آنان پیروز کرد در دل مگه دست‌های ایشان را از شما و دست‌های شما را از ایشان بازداشت، و خداوند به آن چه انجام می‌دهید بیناست.

در این شاهد مثال نیز آرایش تازه در عبارت ﴿مَنْ بَعْدَ أَنْ﴾ مشاهده می‌شود. نحوه جایگیری این ترکیب نیز در زبان فارسی همانند ترکیب "من قبل آن" می‌باشد. با مطالعه و بررسی ترجمه‌های انجام شده می‌توان گفت آیتی و برزی آیه مذکور را در قالب آرایش تازه، به زبان مقصد برگردان نموده‌اند دو مترجم دیگر از این مؤلفه در ترجمه‌های خود بهره نبرده‌اند. مقدم ساختن جمله پیرو در متن مقصد باعث ایجاد یکپارچگی و سامان‌بخشی در لفظ و معنا می‌گردد کما این که این امر در متن مبدأ نیز باعث ایجاد پیوستگی شده است. ممکن است بعد از ترجمه یک بند کوتاه یا بلند از یک متن، سبک برابریابی واژگان و عبارات خوشایند نباشد، در این صورت یکپارچگی و یکدستی ساختاری میان جملات دچار اشکال می‌شود. برای حل این مشکل باید به چیدمان واژگان در کنار یکدیگر، به کارگیری به جا و مناسب عبارات در زبان مقصد توجه داشت. پس از شناسایی اجزای جمله می‌بایست هر یک را در جایگاه درست خود قرار داد تا خواننده به هنگام مواجهه با متن فارسی به تفاوت و تمایز آن با متن اصلی پی ببرد.

۳- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (تحریم/۱).

ارفع: ای پیامبر! به چه علت چیزی که خدا بر تو حلال کرده، بر خود حرام کرده‌ای؟ خواسته‌ای که رضایت همسرانت را جلب کنی، در حالی که خداوند بخشنده و مهربان است.

استادولی: ای پیامبر، چرا [با سوگند خوردن، بر خود] حرام می‌کنی آن چه را خداوند برای تو حلال ساخته است درحالی که می‌خواهی خشنودی زنان را بطلبی؟! و خداوند

بسیار آمرزنده و مهربان است.

آیتی: ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده است، به خاطر خشنود ساختن زنانیت بر خود حرام می‌کنی؟ و خدا آمرزنده و مهربان است.

برزی: هان! ای پیامبر، چرا به خاطر رضایت همسرانت چیزی را که خداوند بر تو حلال کرده است حرام می‌کنی؟ و خداوند خطاپوش خطابخش است.

با واکاوی ترجمه‌های نمونه بالا مشخص گردید تنها استادولی ترجمه خود را بر مبنای عنصر آرایش تازه، نمایان نساخته است. ترتیب قرار گرفتن واژگان در ترجمه وی رعایت نشده، به طوری که فعل را بر مفعول مقدم ساخته است، این در صورتی است که مفعول در زبان فارسی پیش از فعل قرار می‌گیرد. در واقع فرم اصلی متن مبدأ را در متن مقصد حفظ نموده است. سایر مترجمان با انتخاب چنینی مناسب و درست در برگردان‌های خود، آرایش تازه و متفاوت با متن اصلی را در ترجمه نمایان ساخته‌اند. ساختن جمله‌ای به زبان مقصد با حفظ فرم زبان مبدأ، تداخل زبانی «linguistic interference» نام دارد. به زبان ساده‌تر تداخل زبانی تأثیر زبان مبدأ روی زبان مقصد را نشان می‌دهد که می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اثر مثبت باعث سرعت در ترجمه می‌شود، مانند واژگان مشترک بین دو زبان و اثر منفی ترکیب جمله‌بندی در زبان مقصد را به هم می‌زند و از خوانایی آن کم می‌کند (<https://khazargolden.ir/tra> پایگاه دارالترجمه، ۱۳۹۶ش).

سبک برخی از ترجمه‌های ارائه شده از سه مثال فوق بیانگر شباهت در ترتیب جایگیری واژگان زبان اصلی و مقصد و نیز وقوع تناظر صوری است. زمانی که ترتیب قرار گرفتن لغات در جمله‌ی مبدأ و مقصد مشابه باشند، تناظر صوری «Formal correspondence» رخ می‌دهد (احمدی، ۱۳۹۵ش: ۲۴). همچنین باید گفت سایر مترجمان آیه فوق را بر مبنای آرایش تازه و رعایت ساخت دستوری در زبان فارسی معادل‌یابی کرده‌اند. بزرگ‌ترین چالش پیش رو در حوزه ترکیب، موضوع ساختار یا نظام جمله است؛ چرا که زبان تنها

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

مجموعه‌ای از الفاظ و اصطلاحات نیست و در آن شاهد حضور ترکیبات نیز هستیم. نوع ترکیب‌بندی هر زبان با زبان دیگر متفاوت است و از این رو، مترجم باید با ویژگی‌های ترکیب در هر دو زبان مبدأ و مقصد کاملاً آشنایی داشته باشد (گنجیان خناری، ۱۳۹۷ش: ۱۰۸).

۲-۶- پل‌سازی

یکی دیگر از فنون ارائه شده از سوی مالون در زمینه ترجمه، «پل‌سازی» (Bridging) است. فن پل‌سازی ارائه شده از سوی مالون نیز برآمده از دستور زایشی است. نام این فن برگرفته از نوعی پل است که می‌تواند میان دو ستون مادر بالا رود و پایین بیاید. بر اساس این دیدگاه ما می‌توانیم بازنمایی ساخت مورد نظرمان را با توجه به این که جملات متداول زبان مبدأ و مقصد چگونه‌اند، به روساخت نزدیک‌تر کنیم یا به سمت ژرف ساخت متمایل کنیم و پایین‌تر ببریم (فاست، ۱۳۹۷ش: ۱۶۶). هر عبارتی که مطابق با نحو معمول زبان بدون پیرایه‌های ادبی و ملاحظات خاص در ذهن حاضر می‌شود، ژرف ساخت خوانده می‌شود و عباراتی که با انجام تغییراتی از قبیل افزودن، کاستن، جا به جایی و تعویض جزء یا اجزائی از جمله ژرف ساختی بر زبان جاری می‌گردد، روساخت گفته می‌شود. به هر فعل و انفعالی که در تبدیل یک ژرف ساخت به رو ساخت رخ می‌دهد، گشتار یا تأویل گفته می‌شود (باقری، ۱۳۸۸ش: ۱۸۲ و ۱۷۷). بر مبنای گشتار و تأویل زمانی که جمله‌ای از ژرف ساخت به روساخت تبدیل می‌شود ممکن است یکی از تغییرات چهارگانه در آن رخ دهد: الف. گشتار حذف (حذف بخش یا بخش‌هایی از جمله)؛ ب. گشتار اضافه (افزودن بخش یا بخش‌هایی به جمله)؛ ج. گشتار جا به جایی (جا به جا شدن بخش یا بخش‌هایی از جمله با بخش یا بخش‌های دیگر)؛ د. گشتار جایگزینی (جایگزین شدن عنصر یا عناصری از جمله‌ها با عنصر یا عناصر زبانی دیگر) (افشاری، ۱۳۹۳ش: ۶۰).

روش پل‌سازی مالون و تبدیل جملات ژرف ساخت به روساخت بر اساس گشتار حذف، اضافه و جایگزینی پیش‌تر در قالب مؤلفه‌های مستقلى نظیر: بسط و کاهش و جانشینی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت به همین جهت در ادامه گشتار جا به جایی مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۶-۱- گشتار جا به جایی

جا به جایی یکی از تکنیک‌های تبدیل ژرف ساخت به روساخت در روش پل‌سازی مالون است. این تکنیک به مفهوم تعویض و یا جابه جایی از سطحی به سطح دیگر از لحاظ گرامری است که تفاوت معنایی در متن ایجاد نمی‌کند. در واقع دستور زبان در فرایند ترجمه تغییر می‌کند ولی انتقال معنی به شکل صحیحی انجام می‌شود. این تکنیک ترجمه اغلب به منظور روان سازی در ترجمه صورت می‌گیرد و ممکن است جای معلوم و مجهول و یا قید و صفت جابه جا شود ولی مفهوم جمله همواره ثابت می‌باشد (/تکنیک ترجمه/ <https://www.tarjomano.com>)

۱- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (آل عمران/ ۹).

ارفع: خداوندا! تو همه مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع خواهی کرد؛ زیرا که تو از وعده خود تخلف نمی‌کنی.

استادولی: پروردگارا، تو گردآورنده مردم هستی به روزی که شکی در آن نیست، و همانا خداوند خلف وعده نخواهد کرد.

آیتی: ای پروردگار ما، تو مردم را در آن روزی که هیچ شکی در آن نیست، گرد می‌آوری به یقین که خدا از وعده تخلف نکند.

برزی: ای پروردگار ما! به یقین تو گردآورندهی مردمان در روزی هستی که هیچ شکی در [فرارسیدن] آن نیست به راستی خداوند در وعده خلاف نمی‌کند.

همانطور که در این نمونه ملاحظه می‌شود، واژه ﴿جامع﴾ اسم فاعل است. ارفع و آیتی از

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

طریق جا به جایی قالب اسمی با قالب فعلی در زبان مقصد اقدام به تبدیل ژرف ساخت به رو ساخت نموده‌اند که این امر یک نوع پل‌سازی میان متن مبدأ و مقصد با تکیه بر جا به جایی است، استادولی و برزی واژه مذکور را با همان حالت اسمی خود بازتاب داده‌اند. «در ترجمه همیشه نمی‌توان لفظ را در برابر لفظ نشانند. انتقال معنی از زبانی به زبان دیگر، عموماً با ایجاد تغییرات در صورت پیام یا به عبارتی دقیق‌تر در صورت‌های دستوری ممکن می‌شود» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۷).

۲- ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (نساء/ ۱۳۴).

ارفع: هر که ثواب دنیا را طالب است، ثواب دنیا و آخرت نزد پروردگار است و خدا شنوا و بیناست.

استادولی: هرکه پاداش دنیا خواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست، و خداوند شنوا و بیناست.

آیتی: هر کس که پاداش این جهانی را می‌طلبد، بداند که پاداش این جهانی و آن جهانی در نزد خداست و او شنوا و بیناست.

برزی: هرکس ثواب دنیا بخواهد [بی شك باید بداند که] ثواب دنیا و آخرت در درگاه خداوند است و خداوند شنوای بیناست.

در این مثال نیز ارفع با استفاده از قاعده جا به جایی فعل «یرید» را به صورت اسمی در ترجمه خود متبلور ساخته و یک نوع پیوستگی به آن بخشیده است. سه مترجم دیگر ساختار فعلی آن را بدون تغییر به صورت لفظی در ترجمه خود برگردان کرده‌اند. جا به جایی و تغییر ظاهر کلام به اقتضای تفاوت دستگاه ساختاری دو زبان شکل می‌گیرد. دگرگونی‌هایی نظیر تبدیل ساختارهای فعلی به اسم و برعکس، تغییر عناصر قیدی، تبدیل فعل‌های معلوم به مجهول و برعکس، تبدیل اسم‌های مفرد به جمع و مانند آن، همگی در زمره این فرآیند قرار

می‌گیرد که متناسب با شبکه روابط دستور زبانی روی می‌دهد (شهبازی و پارسایی پور، ۱۳۹۹ش: ۲۵۲).

۳- نتیجه‌گیری

— با توجه به این که مالون در شگردهای خود برای ترجمه، بافت و موقعیت کلام را بر اساس شرایط فرهنگی، زبانی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار می‌دهد، لذا این رویکرد او در فراهم کردن زمینه برای درک هر چه بهتر مفاهیم و معانی کلمات و عبارات قرآنی از میان سایر معانی از کاربرد و اهمیت بالایی برخوردار است.

— در خصوص عملکرد مترجمان نیز باید گفت ارفع نسبت به سایرین از موفقیت بیشتری برخوردار بوده و سعی کرده است با نزدیک‌سازی ترجمه خود به نظریه مالون، بر ظرافت‌های آن بیفزاید. او از میان ۱۶ مورد، ۹ مورد را نزدیک به نظریه مذکور در ترجمه خود بازتاب داده است. استاد ولی با ۸ مورد، آیتی ۷ و برزی ۴ به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. شایان ذکر است در برخی موارد مؤلفه‌های تبیین شده از سوی مالون با ترجمه ارفع و سایر مترجمان هماهنگ نبودند و لغزش‌هایی نیز مشاهده شد.

— در بخش برابرسازی و جانشینی مترجمان در ترجمه اکثر نمونه‌ها به یکسان‌سازی اشتراک‌های فرهنگی و زبانی واژگان و تعبیر توجه داشته و به فراخور و شرایط دو زبان اقدام به معادل‌یابی آنها نموده‌اند.

— در واگرایی و همگرایی عناصر مختلف سبکی، عاطفی، کنایی و... مورد نظر است. در بخش واگرایی اغلب مترجمان به جز ارفع، با در نظر گرفتن عناصر مزبور، برای هر یک از تعبیر و عبارات، برابر نهاد مناسب با آن را تعیین نموده و سعی در ایجاد پیوستگی، ارتباط و تقارب معنایی میان متن اصلی و ترجمه داشته‌اند. در قسمت همگرایی نیز، عبارات قرآنی مطابق با این قاعده در ترجمه هیچ یک از مترجمان بازتاب نیافته است.

— در بخش بسط و کاهش و بازمجموعه سازی، افزایش و کاهش واژگان و جملات

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

مطابق با سبک و سیاق مترجمان صورت گرفته است. برخی از آنها در انعکاس مؤلفه‌های مذکور ساختار و معیارهای زبانی دو متن را مد نظر قرار داده و برخی دیگر بدون افزودن یا کاستن از عناصر جملات، اقدام به برگردان متن مطابق با متن اصلی نموده‌اند. برای مؤلفه متراکم‌سازی با توجه به این‌که در سطح عبارت و متن رخ می‌دهد و حجم آن در زبان مقصد به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد لذا نمونه‌ای برای آن یافت نشد.

_ آرایش یا رمزگذاری تازه در شرایطی نظیر تقطیع نمودن ساختار جملات و تفاوت سبکی رقم می‌خورد که هدف از آن ایجاد یک نظم و ترتیب در ساختمان متن است که مترجمان در برخی نمونه‌ها با استفاده از مهارت و داشته‌های خود در زمینه ترجمه، از این تکنیک در جهت فرم‌دهی تازه و متفاوت با متن مبدأ بهره جسته‌اند. در بخش پل‌سازی با توجه به این‌که سه گشتار حذف، اضافه و جانشینی آن بررسی شده بود، گشتار جا به جایی آن مورد واکاوی قرار گرفت و مشخص گردید در هر نمونه تنها یک یا دو مترجم برای انتقال معنا از صورت لفظی آن عبور کرده و از جا به جایی برای متبلور ساختن پیام متن کمک گرفته‌اند.

_ در نهایت می‌توان گفت تغییر بافت و موقعیت زبان مبدأ و تغییرات اساسی در نظام کلمات و عبارات بر اساس نظریه مالون متن را شیوا و خواناتر کرده است و باعث می‌شود تا مخاطب معنای مورد نظر را راحت‌تر دریافت کند. همچنین آفاق معنایی متن عربی را به آفاق معنایی متن فارسی پیوند زده است.

منابع

*قرآن کریم

۱. _____، ترجمه کاظم ارفع، تهران: نشر فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).
۲. _____، ترجمه حسین استادولی، تهران: انتشارات اسوه، (۱۳۹۱ش).
۳. _____، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۹۲ش).
۴. _____، ترجمه اصغر برزی، چ ۱، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).
۵. ابن قتیبه، شمس الدین، تأویل مشکل القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۲۳ق).
۶. احمدی، محمد رحیم، نقد ترجمه ادبی نظریه‌ها و کاربری‌ها، تهران: نشر رهنما، (۱۳۹۵ش).
۷. افشاری، نرجس، «لزوم کاربری دستوری گشتاری (چامسکی) در آموزش دستور زبان فارسی»، نخستین همایش آموزش زبان فارسی، صص ۶۵-۵۷، (۱۳۹۳ش).
۸. باقری، مهری، مقدمات زبان شناسی، تهران: قطره، (۱۳۸۸ش).
۹. حیدری، حمیدرضا، «تغییر بیان و فاخرگویی در ترجمه از فارسی به عربی بر اساس نظریه وینه و داربلنه»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۰، صص ۱۹۷-۲۱۶، (۱۳۹۸ش).
۱۰. خزاعی فر، علی، «تکنیک‌های هفت گانه ترجمه»، فصلنامه مترجم، شماره ۱، صص ۲۳-۳۴، (۱۳۷۰ش).
۱۱. رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین، «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴م)»، مجله زبان پژوهی، شماره ۳، صص ۵۸-۱۰۶، (۱۳۸۹ش).
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، ج ۲، قم: بلاغت، (۱۳۷۳ش).

روش‌شناسی و نقد برگردان واژگان و ترکیب‌های منتخب از قرآن کریم بر اساس...-عباس گنجعلی و سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی

۱۴_ شهبازی، علی اصغر و پارسایی پور، مصطفی، «بررسی تعریب داستان «شاه و کنیزک مثنوی با تکیه بر الگوی وینی و داربلنه (موردپژوهی مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری)»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۳، صص ۲۷۰-۲۳۷، (۱۳۹۹ش).

۱۵_ صیادانی، علی و حیدرپور مرند، یزدان، «بازآرایی‌های زبانی در ترجمه رمان النوم فی حقل الکروز اثر ازهر جرجیس بر اساس الگوی هم ترازوی فرهنگی مالون»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، شماره ۴، صص ۵۱۴-۴۸۹، (۱۴۰۱ش).
۱۶_ صیادانی، علی و دیگران، «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۶، صص ۸۷-۱۱۸، (۱۳۹۶ش).

۱۷_ غفاری، سولماز و همکاران، «بازشناسی مؤلفه‌های دگردیسی در ترجمه ابن عرب‌شاه از مرزبان‌نامه با تکیه بر الگوی وینه و داربلنه»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۴، صص ۹-۳۷، (۱۴۰۰ش).

۱۸_ فاست، پتر، ترجمه و زبان تبیینی بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی، ترجمه راحله گندمکار، چاپ اول، تهران: نشر علمی، (۱۳۹۷ش).

۱۹_ گنجیان خناری، علی، «واکاوی چالش‌های ترجمه ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن، اجزای متن و چالش خواننده»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۸، صص ۹۵-۱۱۴، (۱۳۹۷ش).

20_Delisle, jean(1988) translation: an interpretive approach Ottawa: university of Ottawa press.

21_Malone, joseph l.(1988) the science of linguistics in the art of translation: some tools from linguistics for the analysis and practice of translation, Albany: state university of new York press.

منابع اینترنتی

۲۲_ خانم صادقی، (۱۶ دی ۱۳۹۶ش) / پایگاه دار الترجمة، اصول ترجمه، نکاتی برای

ترجمه بهتر: <https://khazargolden.ir/tra/>

24_ <https://www.tarjomano.com> ترجمه // تکنیک